

محمدسعید کوتبی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی اهواز

امروزه بشريت در شرایط بسیار سخت و خطرناکی به‌سر می‌رد، شرایطی که از آن می‌توان به‌عنوان جنگ جهانی علیه ویروس کوچکی به‌نام کرونا کووید-۱۹ یاد کرد، جنگی که در کمترین مدت موجب قرن‌طینه و حبس خانگی بیش از نصف جمعیت جهان، ورشکستگی اقتصاد جهانی و توقف تقریبا کامل حرکت پروازها، حمل‌ونقل عمومی و فروپاشی بهای نفت و بورس جهانی شده است. این اقدامات بی‌سابقه از آن جهت صورت گرفته است که کشورهای مختلف دنیا به‌دلیل ناتوانی در مهار ویروس مذکور با یافتن درمان قطعی بیماران و مبتلایان به آن، ناچار شدند با بستن مرزهای خود و تعطیلی مدارس، دانشگاه‌ها، فرودگاه‌ها، هتل‌ها و دیگر بخش‌ها و ایجاد محدودیت‌های سخت اجتماعی، درصدد مقابله با آن برآیند.
لنین می‌تفت: چه بسا دهه‌ها بگذرد و هیچ‌گونه اتفاق خاصی رخ ندهد ولی گاهی در عرض چند هفته، شاهد وقوع اتفاقات و رویدادهایی باشیم که برای رخداد آنها دهه‌ها زمان لازم است. این بحران در مقایسه با بحران‌های دیگری همچون بیماری طاعون نیمه‌قرن ۱۴ و آنفلوآنزای اسپانیا ۱۹۲۰-۱۹۱۸ و... از سطح سرعت و گستردگی وسایل ارتباطی و رسانه‌ای امروزی و نیز سطح توقعات و انتظارات مردم، بسیار بی‌سابقه بوده است. با گذشت چند هفته از شیوع ویروس از دستگاه آن وهوان چین به خارج از مرزهای آن، توانست میلیون‌ها نفر را درگیر کرده و از اثرات واقعی و ملموس انسانی، اجتماعی و اقتصادی خود منثار سازد.

یقینا جهان از پایان جنگ ویرانگر جهانی دوم به این‌سو، بحران خطرناک و ویرانگری به‌مانند بحران کنونی را تجربه‌نکرده است. بحرانی که در کوتاه‌مدت تاثیر بسیار زیادی بر زندگی، اقتصاد، جامعه، سلامت روانی، سیاست و روابط بین‌الملل برجا گذاشت. در این نوشتار ضمن بررسی مختصر نقش مدیریتی رسانه‌های ارتباط جمعی، به پیش‌بینی شکل احتمالی جهان پسا‌کرونا پرداخته خواهد شد.

مدیریت رسانه‌ها

در دنیای معاصر انواع‌گوناگون رسانه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زیربنای ساختار ارتباطی و اطلاعاتی برای کسب آگاهی بیشتر انسان در زمینه‌های مختلف، نقش بسیار زیادی در بسط و گسترش آگاهی و روشنگری در جوامع مختلف بشری ایفا می‌کنند. بر این اساس، ضرورت و لزوم اطلاع‌رسانی مناسب ازسوی رسانه‌ها هنگام بروز بحران‌ها، دوجندان احساس می‌شود چراکه معمولا در چنین زمان‌هایی مردم برای کسب آگاهی و اطلاعات بیشتر، بیش از هر زمان دیگری به رسانه‌ها مراجعه می‌کنند.

امروزه رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری به‌عنوان شایع‌ترین و اثرگذارترین ابزار مورد استفاده اربابان سلطه در راستای استثمار نوین ملت‌های دنیا عمل می‌کنند و غرب با علم به این مهم، بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها را در این بخش انجام داده است. به همین دلیل نظام بین‌الملل پس از دوران جنگ سرد برای پیگیری ابعاد ایران‌اینترنشنال و دیگر شبکه‌های خبری مختلفی به‌میدان آمده است که استفاده از ابزار رسانه از مهم‌ترین آنهاست. تبلیغات برانداخته نظام‌های سیاسی مخالف و سرنجام نابودی آنها، بیانشه‌سازی و شایعه‌پراکنی، به راه انداختن جنگ روانی، نشر اکاذیب، توهین و افترا و تخریب و تخریب‌اندازدن دستگاه‌های جدی بشر امروز است. این نگرانی درواقع نگرانی از سوءاستفاده از قدرت رسانه‌هاست که زمینه افزایش بحران‌های فراهم می‌سازد. گرایش رسانه‌ها به گزینش رویدادهای جنجالی، مهم‌جی و جنجالی‌گری بنا بر باعث شده به عملکرد رسانه‌ها با نوعی شک و تردید نگاه شود و از آنها به‌عنوان عاملی اثرگذار در ایجاد بحران‌ها یاد شود. اصولا ارزش خبری یک رویداد برای رسانه‌ها بسیار پراهمیت است به‌خاطر همین در موضوعاتی مانند برخورد رسانه‌ها با نزدیک شدن به یکی از طرفین، بیشتر به ایجاد جنگ و گسترش بحران دامن می‌زنند. سیاستمداران معروف غرب همچون ریگان، برلسکونی، چرچیل و هینتل هر یک به شکلی درباره قدرت رسانه‌ها در عرصه سیاست سخن گفته‌اند. رسانه‌ها و ارتباطات و اطلاعات به‌عنوان منابع اصلی کسب قدرت و تغییرات اجتماعی به‌جهت اثرگذاری در تسخیر اندیشه و اذهان عمومی مردم به‌ویژه برای سیاستمداران، دارای اهمیت بسیاری هستند. با توجه به رشد روزافزون انواع مختلف رسانه‌های جمعی و نقش غیرقابل انکارشان در شکل‌دهی به افکار عمومی و گرایش‌ها، نمی‌توان بحران را بدون حضور رسانه‌های جمعی در آن متصور کرد. بدون شک رسانه‌ها توانایی برجسته‌سازی و بزرگ‌نمایی یک پدیده و رخداد کوچک و ناچیز را دارند یا بالعکس کوچک‌نمایی یک حادثه بسیار بزرگ. لذا این احتمال وجود دارد به دلایلی رسانه‌های امروزی تحت تاثیر قرار گرفته و به فضایی برای شیوع شایعات و ایجاد حجت و سند نامعتبر و بی‌اسناد تبدیل شوند و بر افزایش شدت نگرانی، تنش و استرس دامن زنند. در موضوع بحران شیوع ویروس کرونا بنوعی شاهد بزرگ‌نمایی آن نیست-اما باید بخش مستمر و پیوسته‌سازی و بزرگ‌نمایی به پیام‌ها درمورد بحران کرونا، اگرچه باعث افزایش آگاهی عمومی شده ولی درمقابل افزایش ترس و نگرانی میان جامعه و سرعت شیوع این بیماری را نیز به‌همراه داشته است. پیش‌انپوه بسیار زیاد اخبار و پیگیری مستمر این بیماری و پرداختن تمام‌وقت به جزئیات و مسائل پیرامون آن به‌گونه‌ای که هیچ حرف و حدیثی غیر از کرونا در جهان نیست، خود عامل بسیار اثرگذار منفی بوده است. در این بین شیوع اخبار وحشت، هراس عمومی، وجود اغتشاش خبری، اطلاعات نادرست و اخبار جعلی بیشتر از مراجعی صورت گرفته است که مرجعیت علمی نداشته‌اند. برخی رسانه‌ها از طریق انتقال اطلاعات و اظهارنظر افراد غیرمتخصص از این خصوص، باعث انتشار مطالب و اخبار بی‌سند نادرست و غلط درباره ویروس کرونا شده‌اند. به‌واسطه چنین پوشش خبری شاهد تعطیلی زندگی روزمره بوده و فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی، اندیشه و هنر و به‌طور کلی زندگی اجتماعی مختل و غیرقابل تحمل شد تا جایی که خواسته و اولویت اول همه مردم به چگونگی مقابله با ویروس با منع شیوع کرونا مبدل شده است. لذا باید گفت این ترس و نگرانی و شیوع هراس عمومی را خود رسانه بیشتر از کرونا میان مردم بالا برده و اوضاع را بدتر و وخیم‌تر کرده است. رسانه‌های جهان بخشی از اخبار را در اختیار مردم قرار می‌دهند و برخی حقایق و واقعیت‌ها را از مردم مخفی می‌کنند و این باعث افزایش نگرانی و ترس و اضطراب میان مردم می‌شود.

دانشگاه

نگاهی به کرونا از زاویه‌ای دیگر

کرونا کووید-۱۹: مدیریت رسانه‌ای بحران و جهان پسا کرونا



شدن برای بسط نفوذ خود در آینده، تا حدودی توانست صعود خود را به نمایش بگذارد. از طرفی عملکرد ضعیف اتحادیه اروپا و عدم همبستگی کشورهای آن در این مدت به‌ویژه در کمک آنها به‌عنوان پلی جهت تحمیل سیاست‌ها یا انتقال پیام‌ها و اخبار مشخص خود استفاده می‌برند. در همین رابطه برخی شرکت‌ها و کشورهای دنیا با مقتمن شمردن این فرصت تلاش کردند از این بحران پیش‌آمده نهایت استفاده را برده و درجهت رهبری و هدایت دولت‌ها و ملل جهان به‌عنوان قربانیان این بحران، گام برداشته و به اهداف و نیات خود برسند. یکی از اهداف پنهانی که رسانه‌های غرب درصدد القای آن هستند، کسب مشروعیت رهبری جهان از طریق نمایش اقتدار و توانایی در زمینه مسائل مرتبط با کنترل و مهار دشمن پنهانی همچون کرونا و در پی آن ارائه راهکارهایی برای چگونگی مهار یا محدود ساختن این ویروس و سپس بیان شیوه درمان موثر برای این بیماری هستند. رسانه‌های جهان غرب به‌گونه‌ای این بحران را پوشش می‌دهند که خواسته و تقاضای اول همه ملل جهان چیزی جز پیدا کردن راه‌حل درمان برای این بیماری نیست. در نتیجه بسیاری از مسائل و موضوعات مهمی همچون موضوع فلسطین، بحران سوریه، یمن و... به حاشیه رانده شدند.

معمولا ازجمله وظایف رسانه‌ها هنگام بروز بحران‌های مختلف آگاهی، خبررسانی، مقابله با شایعات و... است؛ اما در بحران کنونی می‌بینیم رسانه‌ها در این زمینه عملکرد و کارکرد خوب و مطلوبی از خود نشان ندادند. چنانکه مثلا در برخی کشورها نقش رسانه‌ای موثری درخصوص نحوه مواجهه با این ویروس دیده نمی‌شود و شاهد شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی‌هایی در این زمینه بوده‌ایم و اینکه با بزرگ‌نمایی و برجسته‌سازی خبری به پیچیده‌تر شدن بحران کمک کردند ویا اینکه در برخی کانال‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای از طریق ارائه معلومات و اطلاعات غلط درخصوص تعداد مبتلایان فوتی‌ها در برخی کشورها، عامدانه سعی در گمراه‌سازی و تحریف واقعیت‌ها کرده‌اند. به‌عنوان مثال شبکه ماهواره‌ای امعاند ایران اینترنشنال و دیگر شبکه‌های خبری همسوا با آن تلاش بسیار کرده‌اند تا با ارائه اخبار ناصحیح از خبری مبتلایان و فوتی‌های این بیماری در ایران ضمن تلاش درجهت ضعیف و ناتوان نشان دادن عملکرد کادر درمانی کشور، نظام جمهوری اسلامی را به دروغ گویی، پنهان کاری، عدم شفافیت و مصداق و مسئولیت‌ناپذیری دربرابر افکار عمومی جهان متهم کنند. البته بایدگفت دوران هینتل و مشاور تبلیغاتی اش گوپلز که می‌گفت آنقدر دروغ بگو تا مردم آن را باور کنند، به‌سر آمده است و این مقوله زمانی مقبولیت داشته و پذیرفتنی بود چراکه منابع و مصادر اطلاعاتی و معلوماتی در آن زمان کم بود اما الان وضعیت فرق کرده است. امروزه مردم دسترسی‌های مختلفی به اطلاعات دارند و دیگر به یک مرجع خبری و رسانه‌ای مراجعه نمی‌کنند. متأسفانه یکی از بزرگ‌ترین معضل‌های رسانه‌های کشور ما و مخصوصا در ابتدای شروع بحران که باعث ایجاد اغتشاش خبری شد، فقدان مرجعیت واحد و تعدد مراجع خبری و سخت‌گویان و تعارض در اطلاع‌رسانی بود. به‌عنوان مثال در شرایطی که نماینده مجلس از فوت ۵۰ نفر در قم خبر می‌دهد و درمقابل معاون وزیر بهداشت کشور ضمن تکذیب خبر، تعداد فوتی‌ها را خیلی کمتر از آن اعلام می‌کند، مسلما چنین حالتی بی‌اعتمادی مردم را به‌همراه داشته که این خود یک ابربحران است.

سطح کلان (نظام بین‌الملل)

یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح درباره جهان پسا‌کرونا، پیش‌بینی احتمال افول آمریکا و صعود قدرتمند چین به‌عنوان قدرت رهبری نظام بین‌المللی جدید است. کشور چین گرچه به‌عنوان منبع انتشار این ویروس است اما به‌دلیل مهار و کنترل زودهنگام آن و با کمترین خسارت جانی و مالی ممکن، همه را شگفت‌زده کرد. حکومت چین با اعلام بازگشت به وضعیت پیشاکرونا و طبیعی خود، توانست فروش و صادرات کالاها و لوازم بهداشتی و پزشکی خود را به کشورهای مختلف جهان ازسر بگیرد و از این طریق میلیون‌ها دلار به جیب زد. همچنین در اقدامی نمایشی کمک‌های سملیک و انسان‌دوستانه خود را به کشورهای دوست و یالاترین آسیایی و به‌ویژه چین، سنگاپور و کره‌جنوبی به‌دلیل توانایی آنها در کنترل و مهار این بیماری به روش‌های خاص خود خواهد شد که این امر به بهبودی چهره دولت‌های خود درمقابل کشورهای اروپایی و آمریکا-کشورهایی که در آنها مدیریت بحران با ضعف و نابسامانی و تروییش افکار عمومی همراه بود- منجر خواهد شد. مناقشات و رقابت قدرت‌های جهانی امری ثابت و لاینتغیر خواهد ماند و دوران جدید از همگرایی جهانی را نظاره‌گر خواهیم بود و به‌طور خلاصه جهانی با گشایش کمتر، توسعه و رونق کمتر و آزادی کمتری در انتظار ماست.

سازمان ملل متحد در گزارش اخیر خود هم اعلام کرد جهان احتمالا به‌دلیل اپیدمی ویروس کرونا، در معرض قحطی تاریخی قرار بگیرد.

جنون ال رئیس موسسه پژوهشی بروکینگز هم معتقد است: «کشورهایی که به‌هر شکلی در مهار و کنترل ویروس مذکور موفق شوند، می‌توانند ادعای تقوق و برتری بر کشورهای زیان‌دیده را داشته باشند. نظام بین‌الملل به‌واسطه این بحران به‌طور نامشخص تغییر خواهد کرد و شاهد افزایش تنش بین کشورها خواهیم بود. فعالیت و نشاط اقتصادی جهانی کاهش خواهد یافت و این بیماری در مرازمدت به‌طور فزاینده‌ای قدرت تولید و اقتصاد جهانی را کاهش می‌دهد. نظام بین‌الملل با مشکلات و فشار گسترده‌ای مواجه خواهد شد به‌گونه‌ای که موجبات عدم استقرار وثبات و احتمال تنش‌ها و وقوع درگیری‌های گسترده‌ای را در داخل و خارج از کشور فراهم می‌آورد.»

ریچارد هاوس، رئیس کمیته شورای روابط خارجی آمریکا نیز می‌گوید: «این ویروس باعث شد دولت‌ها ضمن بستن مرزها، محدودیت‌های بیشتری برای خود وضع کنند و به‌جای پرداختن به مسائل خارجی، پرداختن به مسائل داخلی را در اولویت قرار داده و به آنها بیشتر اهمیت دهند. انتظار می‌رود سرعت رسیدن به خودکفایی در کشورها افزایش یابد و شاهد مخالفت‌ها با مهاجرت‌ها باشیم. کشورها تمایل کمتری به حل‌وفصل مشکلات و مناقشات منطقه‌ای و جهانی از خود نشان خواهند داد و کشورهای جهان در بازبازی با بازگشت به مرحله پیشاکرونا و طبیعی خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهند شد و تعداد کشورهای ضعیف و شکست‌خورده جهان هم بیشتر خواهند شد.»

هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا هم در روزنامه وال استریت ژورنال می‌نویسد بحران کرونا، نظام بین‌الملل را برای همیشه تغییر خواهد داد. خسارات واردشده ناشی از شیوع کرونا به سلامتی انسان‌ها اگرچه احتمالا منقوح باشد اما ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی منتج از آن تا نسل‌ها باقی می‌ماند. به اعتقاد او، رهبران جهان در شرایط فعلی براساس معیار ملی صرف با بحران کرونا برخورد می‌کنند در حالی که پیامدها و آثار

به‌جامانده از آن حودمرز جغرافیایی مشخصی ندارد. به‌نظر او، آمریکا باید در سه زمینه عمده برای مقابله با پیامدهای منطقه‌ای و جهانی آن عمل کند: نخست اینکه از طریق توسعه پژوهش‌های علمی، توانایی و قدرت جهانی‌را در برابر بیماری‌های واگیر تقویت کند. دوم، تلاش زیاد برای یافتن راه‌حل جبران خسارت‌های اقتصاد جهانی ناشی از شیوع ویروس که از جهت سرعت و وسعت انتشار آن در نوع خود بی‌سابقه بوده است. سوم، اینکه چالشی مبتلایان و کشته‌شدگان و... هم‌موهمه نشان از وقوع تحولاتی چند در آینده جهان دارد.

به‌طور کلی شیوع ویروس کرونا با موج گسترده‌ای از احتمالات و پیش‌بینی‌ها درباره آینده جهان پسا‌کرونا همراه بوده است. در این بین بسیاری از اندیشمندان تاریخ، فلسفه و روابط بین‌الملل به بررسی تبعات و پیامدهای همه‌گیری ویروس کرونا و شکل احتمالی جهان آینده پرداختند که در اینجا به‌طور خلاصه آنها را بررسی خواهیم کرد.

سطح کلان (نظام بین‌الملل)

یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح درباره جهان پسا‌کرونا، پیش‌بینی احتمال افول آمریکا و صعود قدرتمند چین به‌عنوان قدرت رهبری نظام بین‌المللی جدید است. کشور چین گرچه به‌عنوان منبع انتشار این ویروس است اما به‌دلیل مهار و کنترل زودهنگام آن و با کمترین خسارت جانی و مالی ممکن، همه را شگفت‌زده کرد. حکومت چین با اعلام بازگشت به وضعیت پیشاکرونا و طبیعی خود، توانست فروش و صادرات کالاها و لوازم بهداشتی و پزشکی خود را به کشورهای مختلف جهان ازسر بگیرد و از این طریق میلیون‌ها دلار به جیب زد. همچنین در اقدامی نمایشی کمک‌های سملیک و انسان‌دوستانه خود را به کشورهای دوست و یالاترین آسیایی و به‌ویژه چین، سنگاپور و کره‌جنوبی به‌دلیل توانایی آنها در کنترل و مهار این بیماری به روش‌های خاص خود خواهد شد که این امر به بهبودی چهره دولت‌های خود درمقابل کشورهای اروپایی و آمریکا-کشورهایی که در آنها مدیریت بحران با ضعف و نابسامانی و تروییش افکار عمومی همراه بود- منجر خواهد شد. مناقشات و رقابت قدرت‌های جهانی امری ثابت و لاینتغیر خواهد ماند و دوران جدید از همگرایی جهانی را نظاره‌گر خواهیم بود و به‌طور خلاصه جهانی با گشایش کمتر، توسعه و رونق کمتر و آزادی کمتری در انتظار ماست.

سازمان ملل متحد در گزارش اخیر خود هم اعلام کرد جهان احتمالا به‌دلیل اپیدمی ویروس کرونا، در معرض قحطی تاریخی قرار بگیرد.

جنون ال رئیس موسسه پژوهشی بروکینگز هم معتقد است: «کشورهایی که به‌هر شکلی در مهار و کنترل ویروس مذکور موفق شوند، می‌توانند ادعای تقوق و برتری بر کشورهای زیان‌دیده را داشته باشند. نظام بین‌الملل به‌واسطه این بحران به‌طور نامشخص تغییر خواهد کرد و شاهد افزایش تنش بین کشورها خواهیم بود. فعالیت و نشاط اقتصادی جهانی کاهش خواهد یافت و این بیماری در مرازمدت به‌طور فزاینده‌ای قدرت تولید و اقتصاد جهانی را کاهش می‌دهد. نظام بین‌الملل با مشکلات و فشار گسترده‌ای مواجه خواهد شد به‌گونه‌ای که موجبات عدم استقرار وثبات و احتمال تنش‌ها و وقوع درگیری‌های گسترده‌ای را در داخل و خارج از کشور فراهم می‌آورد.»

ریچارد هاوس، رئیس کمیته شورای روابط خارجی آمریکا نیز می‌گوید: «این ویروس باعث شد دولت‌ها ضمن بستن مرزها، محدودیت‌های بیشتری برای خود وضع کنند و به‌جای پرداختن به مسائل خارجی، پرداختن به مسائل داخلی را در اولویت قرار داده و به آنها بیشتر اهمیت دهند. انتظار می‌رود سرعت رسیدن به خودکفایی در کشورها افزایش یابد و شاهد مخالفت‌ها با مهاجرت‌ها باشیم. کشورها تمایل کمتری به حل‌وفصل مشکلات و مناقشات منطقه‌ای و جهانی از خود نشان خواهند داد و کشورهای جهان در بازبازی با بازگشت به مرحله پیشاکرونا و طبیعی خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهند شد و تعداد کشورهای ضعیف و شکست‌خورده جهان هم بیشتر خواهند شد.»

هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا هم در روزنامه وال استریت ژورنال می‌نویسد بحران کرونا، نظام بین‌الملل را برای همیشه تغییر خواهد داد. خسارات واردشده ناشی از شیوع کرونا به سلامتی انسان‌ها اگرچه احتمالا منقوح باشد اما ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی منتج از آن تا نسل‌ها باقی می‌ماند. به اعتقاد او، رهبران جهان در شرایط فعلی براساس معیار ملی صرف با بحران کرونا برخورد می‌کنند در حالی که پیامدها و آثار



نمی‌خورد. سرعت و دامنه انتشار این بیماری به‌اندازه‌ای بود که از آن می‌توان به‌عنوان یک جنگ تمام‌عیار ویروسی علیه بشریت نام برد و در چنین شرایط سختی، از شورای امنیت به‌عنوان رکن اساسی حافظ صلح و امنیت جهان انتظار می‌رفت حداقل برحسب وظیفه انسانی و اخلاقی خود، ضمن اعلام آن به‌عنوان تهدیدی بزرگ علیه کل جامعه بشریت، در یک نشست ویژه آن را در دستورکار خود قرار داده و با تشکیل یک جنبه واحد، تمامی کشورهای جهان و به‌ویژه قدرت‌های بزرگ را برای مقابله با این دشمن بی‌رحم بسیج کند.

بحران کنونی پیام‌ها و اشارات متناقضی در سطح روابط بین‌الملل با خود همراه آورد. مواردی همچون ضعف و ناتوانی ابرقدرت‌های مدعی جهان در حفظ مرزهای خود از نفوذ ویروس کوچک، ناکارآمدی ویرانگرترین جنگ‌افزارهای پیشرفته در دفاع از منابع اقتصادی، ناتوانی پیشرفته‌ترین امکانات پزشکی و بهداشتی در درمان یا منع انتشار یک ویروس، ارجحیت سرمایه‌گذاری در بخش بهداشت و درمان بر دیگر بخش‌ها و اینکه ثروت، صنعت و تکنولوژی حال حاضر کشورها نتوانست جان مردم را نجات دهد و هر کشوری در سطحی از قدرت و توانایی که باشد به‌تهایی توانایی مواجهه و مقابله با بحران‌های جهانی را ندارد. این بیماری همچنین فرصتی را برای نقش موثر دولت‌ها در زمینه ملی و جهانی فراهم آورد. معمولا بیشتر دولت‌ها پس از پایان بحران‌ها، قوی‌تر از گذشته خواهند شد. هنگام بحران‌ها وظیفه اصلی دولت در وهله اول حفاظت از جان و مال در برابر خطرات است و معمولا در چنین شرایطی، دولت‌ها جهت مقابله با بحران با موافقت و رضایت مردم اختیارات خود را افزایش می‌دهند، اما با پایان یافتن بحران‌ها معمولا از همه اختیاراتی که برای خود قائل شدند صرف‌نظر نمی‌کنند و برخی از آنها را همچنان برای خود محفوظ نگه می‌دارند و لذا به‌عقیده والت، این اقدامات اضطراری و اختیارات اعطاشده به دولت‌ها در مدیریت بحران، باعث افزایش جمعیت و تسلط و تقویت آنها می‌شود. به‌اعتقاد جان آلن، مردم در آینده به قضاوت درباره عملکرد دولت‌ها و نظام‌های سیاسی از حیث نحوه مقابله با ویروس کرونا خواهند پرداخت. در بحران فعلی شاهد کمبود یا اختکار کالاها و ابزارهای پزشکی مورد نیاز مردم همچون الکل، ماسک و... توسط برخی سودجویان بودیم که موجب نارضایتی و سلب اعتماد مردم شد. لذا با توجه به بلافتن سطح توقعات و انتظارات مردم از دولت‌ها هنگام بروز بحران‌ها در مقایسه با گذشته، دولت در آینده باید به‌گونه‌ای عمل کند که مشکلات و ناتوانی‌ها در تهیه و تأمین نیازها و کالاهای اساسی را حل کرده‌ود در مسیر هرچه بیشتر خودکفایی قرار گیرد و نیز کاستی‌ها یا ضعف‌های مدیریتی خود را به‌بترین شکل ممکن برای مردم بیان کند.

سطح خرد (فردی)

بحران کرونا یقینا فقط یک بحران سلامت نیست. این بحران، بحران انسان و معیشت و زندگی آن است. بحرانی در همه زمینه‌ها که پیامدهای اقتصادی را به‌همراه داشت، از این جهت که اقتصاد مبتنی و متکی به انسان است لذا اگر انسان زیان و خسارت ببیند درنتیجه اقتصاد هم متضرر خواهد شد. لذا با توقف فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی، بخش عظیمی از انسان‌ها از محافظت خودشان محروم خواهند افرازشی فقر و بیکاری ناشی از دست دادن شغل‌ها به‌واسطه تعطیلی فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی و فروشگاه‌های تجاری می‌شویم. یقینا سرمایه اصلی و حقیقی دولت‌ها، مردم آن هستند که باید در جان آنها محافظت شود. چراکه هر چیزی به‌جز خود انسان، جبران‌پذیر است و بر این اساس محافظت از جان انسان‌ها در زمان شیوع بیماری‌ها، جنگ‌ها و... ضرورتی انکارناپذیر است. در جهان پسا‌کرونا همه خواهند فهمید که بزرگ‌ترین عنصری که باید از آن محافظت قرار بگیرد و نگهداری شود انسان است و دیگر سرمایه‌های آن لاشیء هستند. بدون انسان، مفهوم دولت می‌... و معنی و مفهوم نمی‌یابد. لذا در آینده همه نتایج و یافته‌های پژوهشی در زمینه‌های مختلف بهداشت و درمانی، آموزش، فناوری و... باید در خدمت انسان قرار بگیرد و اینکه کسان، بهترین‌ین و سودآورترین بخش برای سرمایه‌گذاری است.

این ویروس به وضوح ثابت کرد که کشورهای پیشرفته جهان، اماذگی لازم برای مقابله با دشمن نامرئی و خطرناکی که سلامت انسان‌ها را به‌خطر انداخته نداشتند و اینکه سرمایه‌گذاری در بخش بهداشت و درمان در کشورهای غربی و مخصوصا آمریکا در حد انتظار نبود.

طبعاً تعطیلی کسب‌وکارها و فعالیت‌های اقتصادی و... و ملزم کردن مردم به ماندن در خانه موجب ایجاد مشکلات عدیده اقتصادی و معیشتی و احتمال زیر خفق فقر رفتن مردم می‌شود. در اعتقاد کارشناسان، ایجاد محدودیت‌ها و فاصله‌گذاری اجتماعی موجب فشار روحی و روانی مردم گشته و سلامت روانی آنها را تهدید می‌کند. فشار کاری زیاد درمانگران و کادر بهداشتی در این مدت که ممکن است به احتمال رهاکردن حفره در آینده بيفتنند. لذا قرن‌طینه و رعایت فاصله اجتماعی در ایام شیوع بیماری‌های همه‌گیر می‌موجب بحران کنونی، احتمال ابتلا به بیماری‌های روحی و روانی را افزایش می‌دهد و انسان‌ها پیش از هر زمان دیگری در معرض ابتلا به افسردگی، استرس، اضطراب و آسیب‌های جدی روانی قرار می‌گیرند. بر این اساس، نباید تبعات و آثار واکنش جسمانی و روحی و روانی همه‌گیری کرونا بر جامعه انسانی را از یاد برد. ان‌شاء‌الله به طرق گوناگون (مثلا نمایش مکرر کلیپ لبسیدن مردمی که درمورد ارزش‌ها و هنجارهای مذهبی از طریق افراد متخصص و دارای جذابیت و معروفیت، سعی در ایجاد ابهام و تردید در اذهان مردم کنند و در این راه چنانکه گفته شد رسانه‌های غربی تلاش می‌کنند با ارائه تصویری سیاه و خطرناک برای افکارعمومی جهان از طریق القای دخالت ایران در موضوع انتشار بیماری و متهم ساختن کشور به قصور و کوتاهی در مهار یا منع شیوع بیماری به کشورهای دیگر و نیز ناکارآمد و کم‌اثر جلوه دادن اقدامات صورت گرفته در کشور، درجهت ایجاد تقابل بین مسئولان نظام جمهوری اسلامی و مردم برآیند. در این زمینه هم انتظار می‌رود دولت با جدی گرفتن موضوع، درجهت رفع هرگونه شک و شبهه اقدامات موثری انجام دهد.